

تحلیل رویکرد شناختی و کارکرد شناختی انتظار از منظر اهل سنت

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

نوشتار پیش رو، به بیان یکی از مفاهیم مهدویت به نام «انتظار از منظر اهل سنت» می‌پردازد. انتظار به عنوان باوری اساسی در میان اهل سنت، دارای شاخصه‌ها و مباحث مختلفی است که با باز خوانی هر کدام از آن‌ها، نسبت به ابعاد انتظار شفافیت و باز شناسی بیش تری پیدا می‌شود. مثلاً یک بار مباحث «رویکرد شناختی انتظار» که به رویکرد «حدیث محوری» و «باور محوری» قابل تقسیم است؛ مطرح می‌گردد و از این طریق به گستره وجودی انتظار در منابع حدیثی و کتاب‌های علمای اهل سنت پی برده می‌شود؛ بار دیگر به دنبال طرح مباحث دیگری نظیر «ماهیت شناختی و کارکرد شناختی انتظار» رفته و با واکاوی انتظار از این دو منظر، به تقسیمی نظیر انتظار عام و خاص و نیز انتظار مثبت و منفی رهنمون می‌شویم. در بحث کارکرد شناسانه انتظار که حاوی تنوعاتی نظیر انتظار مثبت و منفی است؛ اندیشمندان اهل سنت در بیانات و مکتوبات خویش به صورت فراگیر به این موضوع پرداخته و با ضوابطی دقیق، به بیان تمایزات آن دو مبادرت کرده‌اند. همچنین با تشریح نقش غیر سازنده انتظار منفی و با تبیین نقش تأثیر گذار انتظار مثبت؛ زمینه‌ساز ترویج انتظار مثبت در میان اهل سنت شده‌اند.

واژگان کلیدی: اهل سنت، انتظار، انتظار عام، انتظار خاص، انتظار مثبت، انتظار منفی.

اندیشه مهدویت و مفاهیم آن در میان اهل سنت، به عنوان باوری اصیل و تأثیرگذار دارای جایگاه مهم و خطیری است. از جمله مفاهیم این اندیشه مؤلفه «انتظار» می‌باشد که نقش اساسی و مهم آن، در هدایت و ساماندهی مسلمانان و جوامع اسلامی بر کسی پوشیده نیست. بی شک انتظار به عنوان آموزه مهم اعتقادی، دارای شاخصه‌های فراوانی، نظیر تأثیر گذاری، نشاط آوری، تکامل بخشی، پویایی و بالندگی است که اهل سنت به جهت باورمندی و اعتقاد عملی به آن، از الزامات و آثار مثبت فردی و اجتماعی آن برخوردار هستند. بی تردید لازمه بهره‌مندی هر چه بیش‌تر از دستاوردها و برکات انتظار، بازشناسی و بازخوانی آن از حیث مفهوم شناختی، ماهیت شناختی، گستره شناختی، تنوع شناختی و کارکرد شناختی است. بدیهی است در این پژوهش به دلیل محدودیت نوشتاری، به برخی از جستارهای مذکور پرداخته می‌شود.

تحلیل رویکرد شناختی انتظار

تبیین جایگاه انتظار در میان اهل سنت با دو رویکرد «حدیث محوری» و «باور محوری» قابل پی‌گیری است. در رویکرد حدیث محوری، در جست و جو به دنبال تحلیل روایاتی هستیم که به صورت صریح در آن‌ها واژه «انتظار» به کار رفته است و در رویکرد باور محوری، به دنبال تحصیل و تحلیل «انتظاری» هستیم که در اقوال و دیدگاه‌های اندیشمندان اهل سنت (که نماد باورمندی عموم اهل سنت‌اند) به کار رفته است. پس در رویکرد اول، انتظار را در متون حدیثی اهل سنت، اعم از صحاح و مسانید دنبال می‌کنیم و روایاتی را که حاوی واژه انتظار هستند، احصا و آن‌ها را تحلیل و بررسی می‌کنیم؛ ولی در رویکرد دوم، انتظار را در کتاب‌ها و نوشته‌های اندیشمندان اهل سنت که حاوی باورهای آنان است دنبال کرده، آن‌ها را از نظر مفهوم شناسی و واژه شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

انتظار با رویکرد حدیث محور در منابع اهل سنت

در منابع حدیثی اهل سنت، اعم از صحیحین، مسانید، جوامع و اطراف، روایات مبتنی بر

واژه «انتظار» بسیار محدود است و از نظر شمارش به عدد چهار و در نگاهی دقیق‌تر به عدد دو می‌رسد؛ یعنی در کل منابع حدیثی اهل سنت که هر کدام دارای روایات انبوه و بی شماری در موضوعات مختلفی است، روایات الانتظار با واژه انتظار از نظر تعداد، عدد دو را نشان می‌دهد که البته این دو روایت نیز بر انتظار خاص دلالت ندارند، بلکه به معنای انتظار عام می‌باشند؛ یعنی امیدوار بودن برای رفع مشکلات و سختی‌های دنیا و صبر در برابر آن.

روایت اول: رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

سَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ خدا را از فضل او طلب کنید که خدا دوست دارد که از او بخواهند بهترین عبادت‌ها انتظار گشایش است (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۲۶۶).

این روایت را تعدادی از محدثان و مولفان اهل سنت در کتاب‌های خویش آورده‌اند. البته در منابع حدیثی شیعه، نیز به صورت تقطیع: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» نقل شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۷۸). در منابع اهل سنت اولین منبعی که به این روایت پرداخته، سنن ترمذی است و بعد از آن، در برخی منابع از جمله «مسند الشهاب» قضاعی (القضاعی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۴۵)؛ «الدعا» از طبرانی (الطبرانی، ۱۴۱۳: ۲۹)؛ «مجمع الزوائد» هیثمی (الهیثمی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۴۷)؛ «جامع الصغیر» سیوطی (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۳: ۲۷۵) مطالبی آمده است. این روایت در دو کتاب «مسند الشهاب» قضاعی (القضاعی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۴۳۶) و «شعب الایمان» بیهقی (البیهقی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۲۰۴) به صورت تقطیع: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ ذکر شده است.

روایت دوم: رسول گرامی اسلام ﷺ در باره انتظار و رابطه آن با صبر می‌فرماید:

إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ؛ امیدواری برای گشایش همراه با صبر عبادت است (القضاعی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۲).

در واقع، نقل این روایت در منابع اهل سنت، اولین بار از کتاب «مسند الشهاب» قضاعی می‌باشد و نیز در کتاب‌های دیگر حدیثی نظیر «شعب الایمان» بیهقی (البیهقی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۲۹۴)؛ «جامع الصغیر» سیوطی (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۱۷)؛ «میزان الاعتدال» ذهبی

(الذهبی، بی تا، ج ۳: ۲۵۶)؛ «کنز العمال» متقی (المتقی الهندی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۷۲) نقل شده است.

روایت سوم و چهارم: پیامبر گرامی اسلام ﷺ در دو روایت دیگر می‌فرماید:

أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ اللَّهِ عِبَادَةً؛ امید گشایش از ناحیه خدا عبادت است (البیهقی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۲۰۵)؛ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ عِبَادَةً؛ امید داشتن به گشایش عبادت است (الجرجانی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۷۶).

به نظر می‌آید سه روایت اخیر که با تفاوت‌های اندکی از رسول خدا ﷺ در منابع مختلف اهل سنت نقل شده است، از نظر سبک و سیاق به یک روایت باز گردند. بر این اساس، می‌توان گفت که روایات موجود در زمینه انتظار در منابع حدیثی اهل سنت بسیار محدود بوده و از عدد دو تجاوز نمی‌کند. البته در کتاب «الْفَرَجُ بَعْدَ الشُّدَّةِ»، تألیف تنوخی، روایت مرفوعی در این خصوص از امیر مومنان، علی عليه السلام نقل شده است: «أَفْضَلُ مَا يَعْمَلُهُ الْمُتَمَتِّحُنُ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین چیزی که فرد آزمون‌بها به کار می‌گیرد انتظار فرج و امید به گشایش است» (التنوخی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۶). نکته قابل توجه این که این روایات تنها از یک منبع (الْفَرَجُ بَعْدَ الشُّدَّةِ) نقل شده و در هیچ منبع دیگری، اعم شیعه و اهل سنت نیامده و هیچ گونه توجهی از ناحیه علما و مولفان شیعه و اهل سنت بدان نشده است. بر این اساس، نمی‌توان این روایت را به عنوان یکی از روایات انتظار در دایره روایات چهارگانه انتظار قرار داد.

روایات چهارگانه انتظار که از رسول خدا ﷺ نقل شده‌اند، در دو روایت تجمیع می‌شوند، و از نظر صدور، نه دارای پرسش‌های خاصی که دامنه مفهومی انتظار را محدود کند و نه دارای واژگان و جملات خاصی است که انتظار عام را به سوی انتظار خاص سوق دهد. همچنین دارای کاربرد و جایگاه خاصی نیست تا برداشتی خاص را از ناحیه علمای اهل سنت تداعی کند. مثلاً در مورد روایت اول: «سَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ که در منابع متعددی از تألیفات علمای اهل سنت آمده است؛ در برخی از این منابع به نقل بسنده شده و هیچ گونه توضیحی حتی به صورت کوتاه و مجمل داده نشده است (الترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۲۶۶)؛ ولی در برخی از کتاب‌های حدیثی، نظیر «عمده

القاری»، «شعب الایمان»، و «کنز العمال» در ذیل باب دعا و استجابت دعا و آداب دعا این روایت ذکر گردیده است. نیز این روایت در کتاب‌های تفسیری اهل سنت ذیل این آیه شریفه آمده است:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» و زنه‌ها، آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید! برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست (نساء: ۳۲).



مفسرانی از اهل سنت، همانند (ابن کثیر قرشی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۵۰ و السیوطی، بی تا، ج ۲: ۱۴۹)، در ضمن تفسیر آیه، به این روایت اشاره کرده و به نحوی آن را جزو روایت تفسیرگر این آیه قلمداد کرده‌اند و نگرشی که به این روایت دارند، نگرش عام از انتظار است و جایگاه و کاربردی که برای این روایت در نظر گرفته‌اند نیز عام است. پس، محدثان و مفسران اهل سنت نسبت به روایت مورد نظر، نه توجیه صدوری خاص دارند و نه کاربرد خاص. از این رو، نمی‌توان از این روایات انتظار خاص برداشت کرد.

اما سه روایت اخیر که به نوعی به یک روایت باز می‌گردند، در بیش از بیست منبع از منابع حدیثی اهل سنت آمده است که اولین منبع از نظر تاریخی «مسند الشهاب» است (القضاعی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۶۲)، که القضاعی بدون هیچ گونه بیان توجیه صدوری و کاربرد خاصی آن‌ها را نقل و تحت عنوان «إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ» تبویب کرده است. در کتاب «شعب الایمان» بیهقی (البیهقی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۲۰۴)؛ این روایت سه گانه، در فصل مستقلی جمع شده و در همین فصل، روایات دیگری با مضامین مشکلات و شداید دنیا و چگونگی خلاصی از آن نیز ذکر شده است که بیان این روایات، خود قرینه‌ای است بر این نکته که منظور مؤلف از روایات انتظار، انتظار عام است که به مشکلات و معضلات دنیوی و چگونگی گشایش از آن مربوط می‌باشد. قرینه دیگری که در این جا وجود دارد و می‌تواند بر انتظار عام، دلالت کند، باب بندی کتاب است تحت عنوان: «فِي ذِكْرِ مَا فِي الْأَوْجَاعِ وَالْأَمْرَاضِ وَ

المُصِيبَاتِ». این فرایند در کتاب «الجامع الصغیر» سیوطی (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۱۷) نیز دنبال شده؛ ولی در این کتاب روایات «إِنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ اللَّهِ عِبَادَهُ» با اضافاتی مثل «وَمَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ» نقل شده است که این اضافات، خود قرینه‌ای است بر این که منظور از انتظار در این جا انتظار، عام است. اما در کتاب «فیض القدیر» مناوی (المناوی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۶۷)؛ روایات سه گانه یکجا نقل شده و نزدیک دو صفحه در خصوص آن‌ها توضیح داده؛ ولی توضیحات و بیانات ایشان همان نگرش و برداشتی است که علمای سلف اهل سنت در زمینه روایات انتظار داشته‌اند و همان کاربرد عامی است که آن‌ها به کار برده‌اند. نتیجه مطالب پیش گفته این که در منابع اهل سنت، اولاً، روایات انتظار از نظر تعداد بسیار محدود است؛ ثانیاً، همین تعداد قلیل دارای نقل کثیر می‌باشد و ثالثاً، در روایات انتظار اصلاً کاربرد خاصی صورت نگرفته است. از این رو، نمی‌توان روایات الانتظار را که در منابع اهل سنت آمده است، به سوی انتظار خاص سوق داده و انتظار مورد نظر را که همان انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام است، از آن برداشت کرد.

انتظار با رویکرد، باور محور، در منابع اهل سنت

گفته شد که در روایات منابع حدیثی اهل سنت که در بردارنده روایات الانتظار هستند، متأسفانه هیچ اثری از واژه انتظار وجود ندارد که بر انتظار خاص، یعنی انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام دلالت کند؛ ولی در اقوال و نوشتار علمای معاصر اهل سنت فراوان این واژه به کار رفته (و بیش تر هم در معنای انتظار خاص)؛ مثلاً در کتاب «إِغَاثَةُ اللَّهْفَانِ مِنْ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ» از ابن قیم آمده است که مسلمون (یعنی همه گروه‌های اسلامی) در انتظار فردی به سر می‌برند به نام مهدی علیه السلام که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و زمین را از عدل و داد پر می‌کند (ابن قیم، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۳۸).

در خصوص مفهوم و جایگاه انتظار در کتاب «موسوعه فقه الابتلاء» علی بن نایف الشحود^۱، مطالب دقیق و ظریفی بیان شده و ایشان در این کتاب بابی را تحت عنوان

۱. علی بن نایف شحود، از علمای اهل سنت با مسلک وهابی است که در سوریه متولد شده و الان در

«الاعداد سبیل الاستقامه» گشوده و در آن به بیان اعداد و آمادگی پرداخته و بیان کرده است که انجام دادن هر کار مهمی بدون مقدمه و تمهیدات ممکن نیست و این بحث از جمله مباحث اساسی است که علمای علم اصول و فقه بدان پرداخته‌اند و خداوند نیز در قرآن با بیان آیات مختلفی به این موضوع اشاره کرده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى» و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد (نجم: ۳۹، ۴۰)؛ زیرا سعی و تلاش این شأنیت را دارد که مکلف را به سوی هدف و مقصود، بدون سستی و رکود تشویق کند. همچنین خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً» و اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن داشتند، قطعاً برای آن ساز و برگی تدارک می‌دیدند (توبه: ۴۶). نظر به این که در هر مواجهه‌ای، «آمادگی» مهم‌ترین مرتبه است لحظه مواجهه لحظه‌ای حساس و سرنوشت سازاست؛ بی تردید همه عقلا با آمادگی به این عرصه وارد می‌شوند.

وی در ادامه می‌نویسد: همیشه میان تحقق حادثه‌ای مهم و فرایندی که به مرحله تحقق منتهی می‌شود، فترت و فاصله‌ای است که این فاصله را اعداد و استعداد پر کرده و در واقع، این فاصله و این اعداد نیز به نوعی تداعی‌گر انتظار است. سپس به بیان مفهوم انتظار و جایگاه مهم آن می‌پردازد:

وَ الْفِتْرَةَ الَّتِي تَسْتَعْرِقُهَا عَمَلِيَّةُ الْإِعْدَادِ وَالْإِيْتَاءِ بِمُقَدَّمَةِ الْوَاجِبِ، هَذِهِ الْفِتْرَةُ بِالذَّاتِ مَا تَدْعَى بِالِانْتِظَارِ، إِذِ الْإِنْتِظَارُ لَا يَعْنِي جُلُوسَ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ مُتَوَقِّعاً أَنْ يُحَقِّقَ اللَّهُ لَهُ تَطْلِعَاتِهِ وَأَمَالَهُ وَأَهْدَافَهُ، إِنَّمَا الْإِنْتِظَارُ يَعْنِي سَعْيَ الْإِنْسَانِ وَتَحَرُّكُهُ بِاتِّجَاهِ إِعْدَادِ مَا يَنْتَظِرُهُ وَمَا يُرِيدُ تَحْقِيقَهُ. وَإِنْطِلَاقاً مِنْ هَذِهِ الْقِنَاعَةِ، نَقُولُ إِنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب: ۲۳)؛ الشجود، ۱۴۲۸، ج ۴: ۳۰۹).

«فترت» فضایی است که با انجام استعداد و آمادگی به عنوان مقدمه واجب تأمین شده و خاستگاه انتظار می‌باشد؛ زیرا انتظار به این معنا نیست که انسان در خانه

بنشینند و بدون هیچ کاری منتظر باشد تا خدا همه زمینه‌ها، مقدمات و اهداف را فراهم نماید؛ بلکه انتظار یعنی سعی و تلاش انسان و حرکت او به طرف فراهم کردن زمینه‌های چیزی که در انتظار آن نشسته و تحقق آن را طالب است. انتظار یعنی رهایی از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب، چنان که خدا در قرآن می‌فرماید: «در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند. بعضی پیمان خود را به آخر بردند [و در راه او شربت شهادت را نوشیدند] و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.

وی در ادامه می‌نویسد:

ما نیز نسبت به ظهور امام مهدی علیه السلام انتظار داریم و انتظار ما به معنای در خانه نشستن و بسندگی به انتظار زبانی نیست... انتظار آموزه‌ای است مورد تأیید شرع و عقل (همان: ۳۰۹).

شیخ محمد صالح المنجد، در پاسخ به پرسشی که در این خصوص مطرح شده است،

می‌نویسد:

همه طوایف اسلامی و غیر اسلامی در انتظار امام مهدی علیه السلام به سر می‌برند؛ مثلاً قوم یهود منتظر مهدی است؛ ولی مهدی آن‌ها در عنوان «مسیح دجال» تبلور پیدا می‌کند که با یاری و همراهی یهودیان ظهور می‌کند. مسیحیان نیز در انتظار مهدی هستند؛ ولی مهدی آن‌ها در عنوان «مسیح» تعریف می‌شود؛ همان مسیحی که ما مسلمانان نیز به نزول او ایمان داریم. مسلمانان نیز در انتظار فردی به سر می‌برند به نام امام مهدی علیه السلام که از نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام است و در آخر زمان ظهور کرده و جهان پر از ظلم و جور را از عدل و داد پر می‌کند (المنجد، <https://islamqa.info/ar/84269>).

در کتاب «فتاوی دار الافتاء المصریه» که مشتمل است بر فتوهای علمای الازهر؛ در مورد امام مهدی و انتظاری که در مورد آن حضرت مطرح است؛ مطالبی درج شده و در آخر اشاره گردیده که ملل سه گانه، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام در انتظار امام مهدی علیه السلام هستند: «وَ بِهَذَا تَكُونُ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَنْظِرَةُ لِلْمَهْدِيِّ» (البری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۲۷). همچنین در

کتاب «بريقة محمودیة فی شرح طریقة محمدیة» در بیان شرح حال دجال آمده است: دجال، مهدی مورد انتظار یهودیان است و امام مهدی علیه السلام، فرد مورد انتظار مسلمانان بوده و مسلمانان در انتظار ظهور او هستند^۱ (الخادمی، ۱۳۴۸، ج ۱: ۱۸۱).

غالب العواجی^۲ در کتاب «فرق معاصره تنتسب الی الاسلام» در بیان انتظار و تفاوت آن میان شیعه و اهل سنت می‌نویسد:

شیعیان در موضوع انتظار دو چیز را مورد نظر دارند که اهل سنت از آن پرهیز می‌کنند: اول، عجله و شتاب در امر ظهور امام مهدی علیه السلام و دوم این که آن‌ها رخداد ظهور را برای انتقام از دشمنان و تشفی خاطر برای قلوب خودشان می‌دانند؛ ولی اهل سنت در مقوله انتظار از این دو امر دوری کرده و عقیده دارند که ظهور با نیت انتقام‌گیری درست نیست و نیز با شتاب و کندی، ظهور به جلو و عقب کشیده نمی‌شود. گذشتگان اهل سنت بر اساس اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منتظر امام مهدی علیه السلام بودند و در این انتظار ثابت قدم بوده و مثل شیعیان عجله نمی‌کردند؛ چون آن‌ها به پیامبر و دینشان اطمینان داشته و می‌دانستند که با عجله کردن، در ظهور امام مهدی علیه السلام تعجیل یا تأخیر صورت نمی‌گیرد و نیز آن‌ها ظهور را برای حقد و تشفی دل‌های شان و برای انتقام‌گیری از مخالفان نمی‌دانستند (العواجی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۱۵).

در مطلب بالا، در نوشتار غالب العواجی سه شبهه مطرح است که به تبیین و تحلیل نیاز دارد:

- ۱- شیعیان در امر ظهور بر خلاف اهل سنت، عجله کار و شتاب زده هستند.
- ۲- عجله و شتاب بر تقدم و تاخر ظهور هیچ گونه تأثیری ندارد.
- ۳- هدف رخداد ظهور برای شیعیان عقده‌گشایی و انتقام‌گیری است که امری نفسانی و مذموم است.

۱. «مِنْ خُرُوجِ الدَّجَالِ فِي الْمُنَاوِي» وَهُوَ مَهْدِيُّ الْيَهُودِ وَيَنْتَظِرُونَهُ كَمَا يَنْتَظِرُ الْمُؤْمِنُ الْمَهْدِيَّ».

۲. دکتر غالب عواجی از علمای وهابی مسلک عربستان بوده و عضو هیأت تدریس دانشگاه مدینه و صاحب آثاری در مباحث اعتقادی و فقهی می‌باشد.

نقد و نظریه

شبهه اول: شیعیان در امر انتظار، عجل و شتاب زده هستند:

در پاسخ به شبهه مذکور گفته می‌شود: اولاً؛ عجله و شتاب دو نوع است: عجله و شتابی که بدون فراهم کردن مقدمات و بدون بسترسازی و زمینه‌سازی ظهور صورت می‌گیرد. این نوع عجله و شتاب زدگی از عقل و عقلانیت خارج بوده و صاحب آن، از نظر شرع، عرف و عقل محکوم و مذموم است. اما اگر عجله و شتاب را در قالب فراهم کردن مقدمات، عوامل و علل و در بسترسازی ظهور و در قالب آمادگی و تمهیدات مردمی تعریف کنیم؛ هیچ گونه استبعاد و مذمتی به همراه ندارد. چنان که در دعاهای مأثور می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنَ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
(ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۱۴)؛ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِي وَلِيِّكَ
الْفَرَجَ وَالْأَعْفِيَّةَ وَالنَّصْرَ (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۵۸).

پس اگر تعجیل در ظهور همراه با آمادگی و استعداد باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه امری مطلوب و پسندیده است؛ زیرا از یک سو می‌بینیم مقوله ظهور، احیا کننده انسانیت، شرافت، عدالت و رفاه بر گستره زمین است و از سوی دیگر، مقوله ظهور با این کارکردهای مهم، امری خیر و مطلوب شناخته می‌شود و آیه «فاستبقوا الخیرات» (بقره: ۱۴۸)؛ گویای ضرورت شتاب و عجله در کارهای خیر و مطلوب است. پس، ظهور به عنوان امری مطلوب و خیر که مورد اشتیاق و ترغیب مسلمانان است، زمانی معقول و مشروع جلوه می‌کند که از فضای اندیشه و تئوری به فضای عمل هدایت شود؛ یعنی مسلمانان که مشتاق ظهور هستند، باید در عمل، برای ظهور زمینه‌سازی و بسترسازی کنند. در این صورت است که انتظار آن‌ها مورد قبول شرع، عرف و عقل می‌باشد. بر این اساس، به طور کلی می‌توان گفت: عجله و شتاب در فرایند یک کار، ممدوح؛ ولی در فرایند آن بدون در نظر گرفتن فرایند، مذموم است در واقع، عجله در اصل رخداد ظهور بدون لحاظ مقدمات و عوامل، مذموم و با لحاظ کردن آن‌ها ممدوح است.

ثانیاً: اندیشمندان و علمای اهل سنت نیز برخی برای ظهور امام مهدی عجل الله فرجه دعا کرده‌اند. مثلاً شیخ محمد بن حسان بعد از بیان این نکته که ظهور پدیده‌ای تکوینی است که در اصل رخدادش بشر قدرت دخالت نداشته و وقوع آن تنها به اذن و اراده الاهی صورت می‌گیرد؛ برای تعجیل در ظهور امام مهدی عجل الله فرجه به دعا می‌پردازد و می‌گوید: «إِنَّهُ ظُهُورُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ اللَّهُمَّ عَجِّلْ بِهِ يَا كَرِيمُ يَا عَلِيُّ»^۱.

شبهه دوم: عجله و شتاب بشر در تقدم و تأخر ظهور هیچ نقشی ندارد.

در پاسخ به شبهه دوم، بحث اختیاری و عدم اختیاری بودن ظهور مطرح می‌شود؛ یعنی با توجه به این که رخداد ظهور امری اجتماعی و به زندگی بشر مربوط بوده و بر سرنوشت فردی و اجتماعی بشر تأثیر به‌سزائی دارد؛ آیا بشر توان دخالت در کیفیت رخداد یا در تقدم و تأخر آن را دارد؟ بشر در تقدم و تأخر آن فاقد تأثیر است؟ در پاسخ گفته می‌شود: از نظر اهل سنت اگر بشر در تحقق و تقدم و تأخر ظهور هیچ نقشی نداشته باشد؛ جریان روایات را با آن‌ها سود که در منابع اهل سنت فراوان نقل شده و به نوعی مسلمانان را به همراهی با آن‌ها ملزم کرده است، چگونه توجیه می‌شود؟ چنان که پیامبر اسلام ص می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّأْيَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ خُرَّاسَانَ فَأْتَوْهَا فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ؛
چون پرچم‌های سیاه ببینید که از خراسان می‌آید، به استقبال آن بشتابید؛ زیرا او خلیفه خداوند مهدی است (ابن حنبل، بی‌تا: ۳۶۸).

آن حضرت در روایت دیگر می‌فرماید:

ثُمَّ تَطَّلِعُ الرَّأْيَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يُقْتَلْهُ قَوْمٌ. ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ فَقَالَ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَكُونُوا حَبِوًّا عَلَى الثَّلَجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ؛
آن‌گاه که پرچم‌های سیاه از سمت مشرق پدید آید و شما را طوری به قتل رسانند که هیچ قومی را بدان وضع نکشته باشند. سپس راوی چیزی گفت که من حفظ نکردم آن‌گاه فرمود: چون او را به ببینید با وی بیعت کنید هر چند به رفتن از روی برف باشد، چه وی مهدی خلیفه خداست (ابن ماجه، بی‌تا: ۲۵۴).

۱ . حسان: <https://www.hawaaworld.com/showthread.php?t=2886499>

باز در این مورد «روایات موطنون» را داریم که فراوان در منابع حدیثی اهل سنت آمده و در واقع، گویای نقش بشر در زمینه سازی ظهور و تقدم و تأخر آن است؛ چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛ مردمی از جانب مشرق قیام نمایند و سلطنت را برای مهدی آماده می‌سازند» (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۹۴).

سیوطی در شرح سنن ابن ماجه در باره واژه یوطنون می‌نویسد: «يُمَهِّدُونَ الْمَهْدِيَّ خِلَافَتَهُ وَ يُؤَيِّدُونَهُ وَ يَنْصُرُونَهُ؛ آماده کردن زمینه برای دولت مهدی ﷺ و همراهی و یاری کردن او (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۳۰۰). قسمت اول که «يُمَهِّدُونَ» باشد، به معنای زمینه سازی ظهور است که این کار در واقع بر عهده منتظران است و قسمت دوم که «يُؤَيِّدُونَهُ وَ يَنْصُرُونَهُ» باشد، به معنای یاری و همراهی است که این کار در واقع بر عهده یاران و اصحاب امام مهدی ﷺ می‌باشد.

نتیجه این که اولاً، رخداد ظهور امری اجتماعیِ معطوف به سرنوشت تاریخ انسان است. ثانیاً، بر اساس آموزه‌های قرآنی، هر چیز که به سرنوشت انسان مربوط است، انسان نسبت به آن هم مسئولیت دارد و هم آزادی.

پس، رخداد ظهور به عنوان یک عامل اجتماعی، مسئولیت بشر را به همراه دارد و مسئولیت داشتن بشر، آزادی را برای او فراهم می‌کند و از مسئولیت پذیری و آزادی انسان، تأثیر گذاری اعمال و رفتار وی بر کیفیت وقوع ظهور مستفاد می‌گردد.

شبهه سوم: شیعیان برای عقده گشایی و انتقام گیری در انتظار ظهور به سر می‌برند.

در شبهه سوم بحث اهداف ظهور مطرح می‌شود مبنی بر این که هدف ظهور از منظر شیعیان انتقام گیری و عقده گشایی است! در پاسخ گفته می‌شود که ظهور دارای اهداف و غایات متنوعی است و این اهداف به هدف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود. مثلاً هدف کوتاه مدت، مبارزه با ظالمان و ستمگران، و از بین بردن آن‌ها از روی زمین است. هدف میان مدت اجرای عدالت و گسترش رفاه و آسایش بر روی زمین می‌باشد و هدف بلند مدت که همان هدف غایی و نهایی بوده و در واقع ظهور، برای تحقق آن به وقوع می‌پیوندد؛ تحقق انسانیت، دین مداری، خدا محوری بر روی زمین و در یک جمله به معنای تحقق تعالی و کمال واقعی برای بشر

و تاریخ اوست. پس، ظهور امام زمان علیه السلام دارای اهداف متنوع و گوناگونی است که مبارزه با مخالفان و انتقام گرفتن از آنها یکی از اهداف ظهور، آن هم از اهداف کوتاه مدت است. ضمن این که انتقام گیری جنبه شخصی و خصوصی ندارد و در حقیقت نوعی بازتاب علمکرد ظالمان و ستمگران است که به دست یاوران حضرت صورت می‌گیرد.

در این جا به اصل بحث بر می‌گردیم که همان باورمندی اهل سنت به موضوع انتظار است. باز در این مورد، در کتاب «لقات الباب المفتوح» محمد العثیمین^۱ پرسشی مطرح است تحت این عنوان که آیا ما می‌توانیم از خدا درخواست ظهور کنیم و آیا واژه «منتظر» که در کتاب‌های گذشتگان آمده است؛ اصل و اساسی دارد یا خیر؟ صاحب کتاب در جواب این پرسش می‌نویسد:

صحيح نيست ما از خدا درخواست ظهور کنیم؛ زیرا زمان ظهور به حکمت الاهی وابسته است و آن، در واقع زمانی است که جهان پر از ظلم و جور شده و عدل و احسانی در جامعه رواج نداشته و در واقع؛ صلاح و رستگاری در جامعه به مراحل بسیار پایینی رسیده باشد. در این هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام به وقوع می‌پیوندد. در پاسخ به سوال دوم باید گفت: در میان اهل سنت اصلاً واژه منتظر به کار نرفته؛ اما این واژه در میان شیعیان رواج داشته است؛ زیرا آن‌ها همیشه در سرداب سامرا منتظر ظهور مهدی علیه السلام هستند. بر این اساس، از این واژه بسیار استفاده می‌کنند و هر کس از واژه منتظر استفاده کند، در واقع به نوعی به تشیع گرایش دارد (العثیمین، ۱۴۲۱: ۸).

انتظار مثبت و منفی با تحلیل کارکردشناختی در اهل سنت

مقوله انتظار در بیانات و مکتوبات علمای معاصر اهل سنت به صورت پرننگ و فراگیر نقل شده است و آن‌ها با ارائه مفهوم شناسی دقیق، به چیستی و ابعاد انتظار پرداخته و با طرح معیارها و شاخصه‌هایی، به بیان تمایزات و تفاوت‌های انتظار مثبت و منفی مبادرت کرده‌اند و

۱ محمد عثیمین از علمای اهل سنت با نگرش وهابی است در سال ۱۳۴۷ هجری در عربستان متولد شده و صاحب فتوا و کتاب‌های فراوانی در فقه، اصول، اعتقادی و تفسیری و می‌باشد. او در سال ۱۴۲۱ قمری در مکه از دنیا رفت.

با رویکرد کارکردگرایانه به بیان نقش تخریبی انتظار منفی و نقش سازنده انتظار مثبت پرداخته و به جایگاه مهم آن در میان باورهای اهل سنت اشاره کرده‌اند.

عقل و شرع ضرورت بخش انتظار مثبت

«البانی» در این مورد، مطلب بسیار مهمی را گوشزد کرده، می‌نویسد:

پس اقتضای شرع و عقل این است که مسلمانان مخلص به انتظار عمل کرده تا این که وقتی مهدی قیام کرد نیازی نبیند جز این که آنان را به سوی پیروزی سوق دهد و اگر ظهور محقق نشد، لاقلاً به تکلیف الاهی عمل کرده‌اند؛ زیرا خداوند به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: به مسلمانان بگو عمل کنید که خدا و رسول او اعمال شما را می‌بینند^۱ (توبه: ۱۰۵ و آلبانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۴۳).

نکاتی را می‌توان از مطلب بالا برداشت کرد: اولاً؛ انتظاری که در این‌جا مطرح است، انتظار خاص است، نه عام. ثانیاً؛ در میان دو بعد انتظار خاص، به انتظار مثبت توجه شده است، نه منفی. ثالثاً؛ مقوله انتظار با این دو شاخصه (مثبت و خاص)، مورد تأیید و تأکید عقل و شرع است. رابعاً؛ باور به انتظار خاص و مثبت که مورد الزام عقل و شرع می‌باشد، بر هر مسلمانی واجب است. خامساً؛ مسلمانان در باورمندی به انتظار مأمور به اجرای وظیفه هستند، نه رسیدن به نتیجه، چه شاهد رخداد ظهور باشند و چه نباشند.

در میان نکات پیش گفته برخی شاید به تحلیل و مذاقه بیش‌تری نیازمند باشند؛ مثلاً ایشان در مورد انتظار و وظیفه‌ای که مسلمانان نسبت به آن دارند، مطلبی ارائه کرده که کم‌تر مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گیرد و آن مرتبط کردن موضوع انتظار با عقل و متد عقلی است؛ یعنی شرع و آموزه‌های شرعی در این امر ورود پیدا کرده و بر هر مسلمانی وظیفه‌ای تعیین می‌کند؛ عقل و قواعد عقلی نیز به این مسئله توجه کرده و فراهم کردن زمینه‌ها و بسترهای رخداد ظهور را بر هر مسلمان و مهدی باوری واجب می‌دانند.

۱. «فالشرع والعقل مما يقتضيان أن يقوم بهذا الواجب المخلصون من المسلمين، حتى إذا خرج المهدي، لم يكن بحاجة إلا أن يقودهم إلى النصر، وإن لم يخرج فقد قاموا هم بواجبهم، والله يقول ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ﴾».

عمل گرایي و انتظار مثبت

از منظر البانی، ما باید انتظار را به صورت عملی دنبال کنیم و مسلمین با این جمعیت متفرق و غیر متحد نمی‌توانند زمینه ساز ظهور امام مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام باشند و این دو بزرگوار نمی‌توانند تشتت و اختلاف را از جامعه مسلمانان بر طرف کنند؛ زیرا اختلاف و دو دستگی مسلمانان فراگیر و عمیق است؛ علاوه بر آن عمر این دو بزرگوار به اندازه عمر حضرت نوح نیست که بتوانند در میان مسلمانان سالیان درازی زندگی کرده و آن‌ها را به سوی اتحاد و همدلی پیش ببرند (البانی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۳۰۰).

علی بن الشحوذ نیز عمل گرایي را در مقوله انتظار گوشزد کرده و خبرهای غیبی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را در مورد رخداد ظهور و فراگیری ظلم در آستانه ظهور و پیروزی فراگیر مسلمانان در عصر ظهور و نیز گسترش عدالت و رفاه در جهان؛ زمینه ساز امید و امیدواری در جامعه و مردم می‌داند (الشحوذ، بی تا: ۱).

وی در جای دیگر، با رد انتظار منفی و این که هرگز اهل سنت به این موضوع ایمان ندارند؛ به بیان انتظار مثبت پرداخته و با رویکرد کارکردگرایي به مؤلفه‌هایی نظیر اصلاح و اصلاح‌گری، اخلاق زیبا و نیک، عبادت و بندگی، و امر به معروف و نهی از منکر، تعاون در نکو کاری و تقوا، رشد علمی و تکامل اجتماعی و به طور کلی روی آوردن به کارهای شایسته اشاره می‌کند و در ادامه می‌نویسد: این، چیزهایی است که اهل سنت بدان اعتقاد داشته و خداوند ما را به اعتقاد داشتن و عمل کردن به این موارد امر کرده است (الشحوذ، ۱۴۲۸، ج ۹: ۳۱۲).

صاحب کتاب «اصول الدعوه» در بیان انتظار واقعی می‌نویسد:

انتظار واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که فرد منتظر همه اسباب تحقق انتظار را فراهم کند؛ زیرا انتظار بدون فراهم آمدن زمینه‌ها و اسباب، نوعی حماقت و تکبر است و رحمت و تأیید الهی همیشه شامل حال کسانی است که در پی تحقق انتظار، به دنبال فراهم کردن اسباب و زمینه‌های آن می‌باشند (زیدان، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۸۶).

این مطالب که دیدگاه اندیشمندان اهل سنت در مورد انتظار است، در واقع اشاره دارد به

انتظار عملی، همان انتظاری که فرمایش پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»، آن را تبیین و ترسیم می‌سازد. انتظار عملی جامع‌ترین نوع انتظار است؛ زیرا مقوله انتظار به انواع چهارگانه رتبه بندی می‌شود: «انتظار روحی»، «انتظار قلبی»، «انتظار قولی» و «انتظار عملی». آخرین و بالاترین مرتبه انتظار، انتظار عملی است و در واقع میان سلسله مراتب انتظار رابطه عام و خاص حاکم است؛ یعنی کسی که دارای شاخصه انتظار عملی است، حتماً موارد پایین‌تر، نظیر انتظار روحی، قلبی و قولی را دارد؛ ولی بالعکس، بهره کسی که مثلاً دارای انتظار روحی است از مراتب بالاتر، انتظار، احتمالی است، نه یقینی. پس در دیدگاه و سخنان اندیشمندان اهل سنت، جامع‌ترین نوع انتظار؛ یعنی انتظار عملی، مورد توجه قرار گرفته است.

انتظار مثبت، عامل حرکت و پویایی در اهل سنت

«بستوی» در کتاب «الْمَهْدِيُّ الْمُنْتَظَرُ فِي ضَوْءِ الْأَحَادِيثِ وَالْآثَارِ الصَّحِيحَةِ»، درباره امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌نویسد:

آثار و پیامدهای انتظار مثبت امر پوشیده‌ای نیست و همه مردم به نوعی نسبت به ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در انتظار به‌سر می‌برند و همه آرزوی دیدار و درک ایشان را دارند. اندیشه مهدویت اگر صحیح اجرا شود، نه تنها عامل رخوت و سستی نمی‌شود؛ بلکه عامل مقاومت و شجاعت شده و خیلی از انقلاب‌ها و نهضت‌های اسلامی را پشتیبانی می‌کند (البستوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۰).

در مجموع، شاخصه‌های انتظار مثبت و عملی را که از اقوال و نظریات اندیشمندان اهل سنت برداشت می‌شود، در قالب چند بند می‌توان چنین نگاشت: ۱. انتظار از مقام اندیشه و اعتقاد به مقام عمل و اجرا می‌رسد؛ ۲. از سطحی‌نگری به عمق‌نگری منتهی می‌شود؛ ۳. از اباحی‌گری به تعهدآوری منتهی می‌شود؛ ۴. از سستی و رخوت به پویایی و بالندگی می‌رسد؛ ۵. از توکیل و تفویض، به اجرایی‌شدن آموزه‌های اسلامی و دستورات دینی می‌رسد؛ ۶. از نومیدی و ایستایی به امیدواری و تحرک می‌رسد؛ ۷. از رویکرد تخریبی به رویکرد سازندگی منتهی می‌شود؛ ۸. از روحیه ظلم‌پذیری به روحیه ظلم‌ستیزی منتهی می‌شود. ۹. از روحیه

تشتت گرایی به روحیه وحدت گرایی منتهی می‌شود. موارد مذکور در واقع شاخصه‌های مهمی است که از انتظار مثبت و عملی می‌توان برداشت کرد که غالب آنها مورد تأکید و سفارش علما و اندیشمندان اهل سنت بوده که صریح و به وضوح در سخنان و مکتوبات آنها آمده است. پس بر اساس مکتوبات و سخنان مطرح شده در زمینه انتظار مثبت و عملی و نیز بر اساس تعریف و تحدیدی که از ناحیه اندیشمندان اهل سنت ارائه شده است؛ می‌توان به این نتیجه رسید که اهل سنت علاوه بر اعتقاد قوی به موضوع انتظار؛ به مرتبه بالای آن، یعنی «انتظار عملی» التزام دارند.

اهل سنت و نفی انتظار منفی

چنان‌که بیان شد، انتظار منفی، در جامعه نقش منفی و تخریبی دارد؛ تزریق کننده روحیه نومیدی در مردم می‌شود و ثمره‌ای جز ایستایی، خمودی و سستی ندارد و از بین برنده تحرک، پویایی و نشاط در افراد است و مروج نگرش تفویض و واگذاری امور به زمان رخداد ظهور می‌باشد (المقدم، ۱۴۲۹: ۲۹۵).

شکل‌گیری «نگرش تفویض» که در واقع بر گرفته از انتظار منفی است؛ با انگیزه‌ها و عوامل مختلفی همراه است. برخی از این عوامل، خاستگاه اجتماعی، برخی خاستگاه روان‌شناختی، برخی خاستگاه سیاسی، برخی خاستگاه اقتصادی و برخی دیگر خاستگاه دینی دارند؛ یعنی احادیث و گزاره‌های دینی و برداشت‌هایی که از آنها صورت می‌گیرد، موجب برخی نگرش‌های منفی در مقوله انتظار می‌شود. مثلاً در منابع حدیثی اهل سنت روایاتی وجود دارد که به دلیل برداشت‌های صورت گرفته از آنها، زمینه نگرش منفی در میان اهل سنت فراهم شده است؛ مانند روایتی از انس بن مالک به نقل از پیامبر اسلام ﷺ:

اصْبِرُوا، فَإِنَّهُ لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرٌّ مِنْهُ، حَتَّى تَلْقَوْا رَبَّكُمْ. سَمِعْتُهُ مِنْ نَبِيِّكُمْ؛ صبر پیشه کنید! بی تردید نمی‌گذرد بر شما زمانی مگر این که بعد از آن زمان بدتری خواهد آمد و این تا قیامت ادامه پیدا خواهد کرد. این مطلب را از رسول خدا ﷺ شنیدم (بخاری، بی‌تا: ۲۵۵).

انس باز به نقل از رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

لَا يَزِدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً، وَلَا يَزِدَادُ النَّاسُ إِلَّا شَحًّا، وَمَا مِنْ عَامٍ إِلَّا وَالَّذِي بَعْدَهُ شَرٌّ مِنْهُ؛ كَارَ مَرْدَمٌ بِهٖ سَوَى سَخْتِي وَبَخْلٍ يَبِيحُ مِي رُودٍ وَ سَالِي نِيَسْتِ بَعْدَ از آن، مِگر آن که بدتر از سال قبل باشد (ابن کثیر قرشی، ۱۴۲۰، ج ۴، ۲۴۰).

بر اساس فرجام نگری، روند تاریخ با دو نگرش منفی و مثبت توجیه می‌شود: نگرش خوش‌بینانه و نگرش بدبینانه. در نگرش بدبینانه، این ایده مطرح است که بشر، به طور کلی در تاریخ خویش عاقبت به خیر نشده و همیشه رو به سوی سقوط و اضمحلال حرکت می‌کند و سرانجام این حرکت، نابودی و نیستی است که در انتظار بشر می‌باشد؛ ولی در نگرش خوش‌بینانه، ایده تکامل تاریخ مطرح است؛ یعنی بشر همیشه در سیر تاریخی خودش رو به تعالی و تکامل بوده و با این فرایند به سر انجام خوبی که همان جامعه ایده‌آل منجی است، منتهی می‌شود. بر اساس این ایده، بشر در فرجام تاریخ خویش عاقبت به خیر شده و سرانجام نیکو در انتظار اوست.

حال روایات پیش گفته را براساس این دو نگرش، یعنی نگرش مثبت و منفی، به بحث می‌گذاریم: روایات مورد نظر از لحاظ الفاظ و جمله بندی و نیز از نظر سند و مورد نقل با یکدیگر متفاوت‌اند و نیز از نظر واژگان در برخی از نقل‌ها کلمه «شر» و در برخی دیگر کلمه «اشر» (البغوی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۰۳۶ و البیضاوی، ۱۴۳۳، ج ۳: ۳۲۸) آمده است؛ ولی از نظر معنا و مفهوم همسان و هم پوشانی دارند؛ یعنی هر سه روایت مفهوماً به این مطلب اشاره دارند که فرایند تاریخ بشر به سوی سقوط و بدتر شدن پیش می‌رود. البته کسانی که این روایات را نقل کرده و بر اساس آن به بدتر شدن زندگی آینده قائل هستند، برخی از مقاطع را نظیر زمان ظهور امام مهدی عجل الله فرجه و نزول حضرت عیسی علیه السلام را استثنا کرده و این زمان‌های خاص را زمان‌های رو به تکامل و تعالی می‌دانند (العینی: بی تا، ج ۲۴: ۱۸۴؛ العباد، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۱ و الشحود، بی تا: ۱). برخی نیز برای این فرایند غایتی در نظر گرفته و آن را تا زمان بروز «اشرط الساعه»، نظیر خروج دجال، ظهور امام مهدی عجل الله فرجه و نزول حضرت عیسی علیه السلام می‌دانند (العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۱)؛ که بعد از آن، یعنی بعد از بروز اشرط الساعه که با آمدن امام

مهدی علیه السلام و با نزول حضرت عیسی علیه السلام همراه است؛ انسان و جوامع انسانی رو به تکامل و ترقی پیش می‌رود. صاحب کتاب «فتح الباری» در توجیه این مسئله می‌نویسد: شاید این فرایند بدتر شدن، مخصوص زمان صحابه باشد؛ زیرا این‌ها مخاطب سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند (همان: ۲۲). البته با این استثنا، گر چه روایات از عمومیت می‌افتد؛ مشکل اصلی هنوز بر طرف نشده و معضل هم چنان باقی است؛ زیرا بحث ما در مورد زمان فقدان امام مهدی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام است؛ آیا در این زمان به پس‌رفت و سقوط جامعه و مردم قائل هستیم یا خیر؟ بی‌تردید بر اساس داده‌های روایات مورد نظر و برداشت‌های صورت گرفته، دوران قبل از ظهور که عصر منتظران نام دارد، زندگی و حیات بشری رو به سقوط و پس‌رفت است و بی‌تردید با وجود این نظریه و قطعی دانستن آن، دیگر برای منتظران سرزندگی و نشاطی باقی نمی‌ماند و در واقع با این نگرش، امید و امیدواری، و پویایی و بالندگی از منتظران رخت بر بسته و جامعه منتظر، یکپارچه به سوی نومی‌پیش می‌رود و دیگر هیچ حرکت و جنبش اصلاحی و نیز هیچ تلاشی مشروع و پذیرفتنی نخواهد بود. لازم است به این نکته اشاره کنیم که برخی از اندیشمندان اهل سنت «عمومیت» روایات بالا را زیر سؤال برده و با حمل آن‌ها بر «غالبیت»، حجیت عام بودن روایات را مخدوش کرده‌اند؛ یعنی از آنجایی که تاریخ بشر غالباً رو به سقوط و بدتر شدن است؛ در این روایات، عمومیت به معنای غلبه داشتن است (القاری، ۱۴۲۲: ۳۳۸۸).

باز در جهت توجیه روایات پیش‌گفته و نفی عمومیت از آن‌ها، به روایت ابی‌ادریس خولانی به نقل از حذیفه بن یمان تمسک می‌جوییم:

پیوسته مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خیر سؤال می‌کردند و من به خاطر ترس از مواجهه با شر از شر پرسش نمودم. گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما زمانی در جاهلیت و شر به سر می‌بردیم و خداوند، با آمدن شما، ما را به خیر رساند. آیا بعد از آمدن این خیر به شر بر می‌گردیم؟ حضرت فرمودند: بلی. باز گفتم: آیا بعد از این شر، دوباره به خیر بر می‌گردیم؟ حضرت فرمودند: بلی (النیشابوری: بی تا، ج ۳، ۱۴۷۵).

بر اساس مفهوم این روایت، این طور نیست که بشر در زندگی اجتماعی خویش همیشه

رو به سقوط و نزول حرکت کند و همیشه در فرایند شر و شرارت به پیش برود؛ بلکه این فرایند پیشرفت و پسرفت در همه زمان‌ها و مکان‌ها جاری و ساری است. این گونه نیست که دیروز از امروز و امروز از فردا بهتر باشد و این فرایند تا قیامت ادامه یابد و همیشه مقاطع و زندگی آینده به سوی بدتر شدن به پیش برود. در تأیید این مطلب، برخی قائلند که عصر حکومت عمر بن عبد العزیز، روزگار خوب و رو به تکاملی بوده و نسبت به عصر قبل از خودش بهتر بوده است (القسطلانی، ۱۳۲۳، ج: ۱، ۱۸۳)؛ بر این اساس، روایت انس بن مالک از نظر محتوا و دلالت، با روایت حدیفه نقض شده و حجیت عمومیت آن به مخاطره می‌افتد (الشیبانی، ۱۴۱۷، ج: ۵، ۳۲۸).

در رد انتظار منفی، شیخ سلمان العوده در تک نگاره خویش می‌نویسد:

انتظار منفی، انتظاری است که تکلیف را از انسان سلب کند و فرد منتظر را به این نکته ملزم کند که تا ظهور امام مهدی علیه السلام احکام و تعالیم اسلامی و حدود و تعزیرات دینی را تعطیل کند و اقامه نماز جمعه و نماز جماعت و جهاد را به زمان ظهور متعلق بداند؛ بی شک این نگرش از پایه و اساس باطل بوده و انتظاری که از این نگرش تراوش می‌کند، انتظار صحیح و معقولی نیست و اهل سنت چنین انتظاری را باور ندارند (العوده: <http://www.islamtoday.net/salman/services/saveart-28-196>).

نتیجه گیری

باورداشت «انتظار»، در میان اهل سنت دارای جایگاه مهم و خطیری است و از نظر تنوعات و گستره وجودی، به اقسامی چون عام و خاص و مثبت و منفی تقسیم می‌شود. انتظار عام و خاص با دو رویکرد «حدیث محور» و «باورمحور» قابل شناسایی و رصد می‌باشد. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، در منابع حدیثی اهل سنت، هیچ‌گونه روایتی که صریحاً به موضوع انتظار خاص پرداخته باشد، نقل نشده است؛ اما در مورد انتظار عام به صورت محدود، روایاتی در منابع حدیثی دیده می‌شود؛ در عین حال، در نوشته‌ها و مکتوبات علمای اهل سنت که گویای باورها و اعتقادات آنان است، به صورت فراگیر و همه جانبه به انتظار خاص پرداخته شده است. همچنین در خصوص انتظار مثبت و منفی، اندیشمندان اهل سنت

با ورود جدی به این موضوع، به صورت جامع و کامل بدان پرداخته و با بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌های دقیق و نیز با طرح ضوابط و معیارهای درست، به بیان تمایزات انتظار منفی و مثبت مبادرت کرده و نقش تأثیرگذار و امیدبخش انتظار مثبت و نقش مخرب و ویرانگر انتظار منفی را به باورمندان اهل سنت گوشزد کرده‌اند.



منابع

قرآن کریم

١. ابن قولویه قمی، جعفر (١٣٥٦). *کامل الزیارات*، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه.
٢. ابن قیم الجوزیه، محمد (١٣٩٥ق). *إغاثة اللهفان من مصائد الشيطان*، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت، دار المعرفه.
٣. ابن کثیر القرشی، اسماعیل (١٤٢٠ق). *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: سامی بن محمد سلامه، بی جا، دار طیبه للنشر و التوزیع.
٤. ابوسعید الخادمی، محمد (١٣٤٨ق). *بریقة محمودیه فی شرح طریقه محمدیه وشریعة نبویه فی سیره أحمديه*، بی جا، مطبعة الحلبي.
٥. البانی، ناصرالدین (١٤١٥ق). *سلسله الاحادیث الصحیحه، الرياض*، مكتبة المعارف للنشر والتوزیع.
٦. بخاری، محمد (بی تا). *صحیح البخاری*، مصر، وزارة الأوقاف المصرية.
٧. بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم (١٤٢٠ق). *المهدی المنتظر ﷺ فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة*، بیروت، دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزیع.
٨. بغوی، ابو محمد الحسین (١٤٠٣ق). *شرح السنه*، دمشق، المكتب الاسلامیه.
٩. بیضاوی، القاضی ناصر الدین (١٤٣٣ق). *تحفة الابرار*، محقق: نورالدین طالب، کویت، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه.
١٠. بیهقی، احمد (١٤١٠ق). *شعب الایمان*، تحقیق: محمد السعید بن بسیونی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
١١. ترمذی، محمد بن عیسی (١٤٠٣ق). *سنن الترمذی*، تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
١٢. تمیمی البستی، محمد بن حبان (١٤١٤ق). *صحیح ابن حبان*، تحقیق: شعیب الارنوط، بیروت، مؤسسة الرسالة.
١٣. تویجری، حمود بن عبدالله (١٤١٤ق). *اتحاف الجماعه بما جاء فی الفتن و الملاحم*، ریاض، دارالصمیعی للنشر و التوزیع.
١٤. جرجانی، عبدالله بن عدی (١٤٠٩ق). *الکامل*، تحقیق: حیدر مختار غزاوی، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
١٥. الجری، زکریا (١٤٠٠ق). *فتاوی الزهر*، مصر، دار الافتاء المصریه (موقع وزارة الاوقاف المصریه).
١٦. ذهبی، شمس الدین (بی تا). *میزان الاعتدال*، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.

١٧. زيدان، عبدالكريم (١٤٢٦ق). *اصول الدعوة*، بيروت، موسسه الرساله.
١٨. سيوطي، جلال الدين (١٤٠١ق). *جامع الصغير*، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
١٩. سيوطي، عبدالغني (بي تا). *شرح سنن ابن ماجه*، كتاب خانه كراتشي، بي نا.
٢٠. شحود، علي بن نايف (١٤٢٨ق). *موسوعة الغزو الفكري والثقافي وآثاره على المسلمين*، بي جا، بي نا.
٢١. _____ (١٤٢٨ق). *موسوعة فقه الايتلاء*، مدينه، مكتبة الكتب.
٢٢. _____ (بي تا). *موسوعة البحوث والمقالات العلمية*، بي جا، بي نا.
٢٣. _____ (بي تا). *مسند حنبل*، بيروت، دار صادر.
٢٤. الشيباني، يحيى ابن محمد (١٤١٧ق). *الافصاح*، محقق: فواد عبد العظيم احمد، بي جا، دار الوطن.
٢٥. شيخ صدوق، محمد (١٣٩٥ق). *كمال الدين و تمام النعمه*، تهران، اسلاميه.
٢٦. صنعاني، عبد الرزاق بن همام (١٤٠٣ق). *المصنف*: عبد الرزاق، بيروت، المكتب الإسلامى.
٢٧. طبراني، ابوالقاسم سليمان (١٤١٣ق). *الدعاء*، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه.
٢٨. طبراني، ابولقاسم سليمان، (١٤١٥ق). *المعجم الاوسط*، قاهره، دار الحرمين.
٢٩. طوسى، محمد (١٤١١ق). *مصباح المتجهد*، بيروت، موسسه فقه الشيعه.
٣٠. عباد، عبد المحسن (١٣٨٨ق). *عقيدة أهل السنة والأثر فى المهدي المنتظر*، مدينه، ناشر مجلة الجامعة الإسلاميه.
٣١. عثيمين، محمد (١٤٢١ق). *لقاتبات الباب المفتوح*، بي جا، موقع الشبكة الاسلاميه.
٣٢. عسقلاني، ابن حجر (١٣٧٩ق). *فتح البارى*، بيروت، دار المعرفة.
٣٣. عواجى، غالب بن علي (١٤٢٢ق). *فرق معاصرة تنتسب إلى الإسلام*، جده، المكتبة العصريه الذهبية للطباعة والنشر والتسويق.
٣٤. العيني، محمود بن احمد (بي تا). *عمده القارى*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٣٥. فرمانيان، مهدي (١٣٨٧). *آشنائى با فرق تسنن*، قم، مركز مديريت حوزه علميه قم.
٣٦. قاضى التنوخى، علي بن محمد (١٤١٠ق). *الفرج بعد الشده*، بيروت، موسسه النعمان.
٣٧. قزوينى، محمد ابن يزيد (بي تا). *سنن ابن ماجه*، تحقيق: محمد فواد عبد الباقي، بيروت، دار الفكر.
٣٨. قسطلاني، شهاب الدين (١٣٢٣ق). *ارشاد السارى فى شرح صحيح البخارى*، مصر، المطبعة الكبرى الاميريه.
٣٩. قضاعى، محمد بن سلامه (١٤٠٥ق). *مسند الشهاب*، تحقيق: حمدى عبد المجيد، بيروت، موسسه الرساله.

٤٠. متقى الهندي، علا الدين على بن حسان (١٤٠٩ق). *كنز العمال*، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٤١. مقدم، محمد (١٤٢٩ق). *فقه أشراف الساعة*، بي جا، الدار العالمية للنشر والتوزيع.
٤٢. مناوى القاهري، زين الدين محمد (١٤١٥ق). *فيض التقدير شرح الجامع الصغير*، مصر، المكتبة التجارية الكبرى.
٤٣. نيشابورى، المسلم (بى تا). *صحيح مسلم*، تحقيق: محمد فواد عبدالباقى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٤٤. هروى القارى، نورالدين (١٤٢٢ق). *مرقاة المفاتيح*، بيروت، دارالفكر.
٤٥. هيثمى، احمد بن حجر (١٤٠٨ق). *مجمع الزوائد*، بيروت، دار الكتب العلميه.

منابع اينترنتى

46. <https://www.hawaaworld.com/showthread.php?t=2886499> 94/1216.
پايگاه خطبه‌هاى شيخ حسان
47. <https://islamqa.info/ar/84269> 94/12/16.
پايگاه دروس شيخ محمد صالح المنجد.
48. <http://www.islamtoday.net/salman/services/saveart-28-196> 94/12/17
پايگاه شيخ سلمان بن فهد العوده.

